

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال یازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۰ - شماره پيوسته ۳۲

## بررسی فرایندهای واجی حذف، ابدال، قلب و اضافه در گونه طَبسی (ص ۸۴-۶۵)

شیمای جعفری دهقی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، فاطمه غریب‌زاده<sup>۲</sup>

20.1001.1.2345217.1400.11.2.4.9

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۵

### چکیده

گونه طَبسی گونه رایج در طَبس، یکی از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی است. هدف مقاله حاضر، بررسی برخی فرایندهای واجی در این گونه است. داده‌های پژوهش به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای و از طریق مصاحبه با ده گویشور ساکن در این شهرستان در محدوده سنی ۳۰ تا ۸۰ سال گردآوری شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که به‌طورکلی فرایندهای حذف، ابدال، قلب و اضافه از جمله فرایندهای واجی در این گونه است. همچنین سایر فرایندهای واجی از جمله همگونی نیز در این گونه نیز مشاهده شد. در گونه طَبسی حذف صامت‌های پایانی /d/، /m/، /n/، /t/، /k/، /z/، حذف مصوت پایانی [y]، آوردن یک مصوت در ابتدای خوشه صامت، ابدال گروه آوایی [ān] و [ām] به [u(n)] و [um]، ابدال دو واج [āb] و [ab] و [af] و [āy] و [āv] به مصوت مرکب [əw] از جمله فرایندهای واجی است. بدون شک بررسی و توصیف گونه‌ها و گویش‌های ایرانی به شناخت هرچه بیشتر ما از آن‌ها خواهد انجامید.

کلمات کلیدی: گونه طَبسی، فرایندهای واجی، حذف، ابدال، قلب.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، سیستان و بلوچستان، ایرانشهر، ایران.

Email: sh.jaafari@velayat.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، سیستان و بلوچستان، ایرانشهر، ایران.

Email: fgharibzadeh62@gmail.com

## ۱. مقدمه

طبس از شمال به کاشمر و دشت کویر و شاهرود و از جنوب به کویر لوت و کرمان و از مشرق به فردوس و بیرجند و از سمت غرب به خور و بیابانک در استان اصفهان محدود است (ر.ک: امینی، ۱۳۸۵: ۳۴). مردم طبس به زبان فارسی گفت‌وگو می‌کردند، چنانکه هنوز هم به این زبان صحبت می‌کنند (ر.ک: باقری، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۴). در تقسیم‌بندی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، گویش‌های خراسان در گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی قرار می‌گیرند (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۱۶۳). ایوانف، گویش‌های خراسان را به سه گروه شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم کرده است. اختلاف این سه گروه بسیار کم است و بسیاری از واژه‌ها را از یکدیگر وام‌گرفته‌اند. کلباسی برخلاف ایوانف، گویش‌های منطقه خراسان را ذیل زبان‌های ایرانی نو جنوب غربی قرار می‌دهد (ر.ک: نجفیان، ۱۳۹۱: ۳۳). گونه طبسی هم جزو این گروه است. در این پژوهش به بررسی فرایندهای واجی گونه طبسی می‌پردازیم، هرچند این گونه دارای فرایندهای واجی و آوایی متنوعی است اما در این مقاله مجال پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد.

تا آنجا که نگارندگان این مقاله اطلاع دارند در مورد فرایندهای واجی در گونه طبسی پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. با این حال به برخی موارد از پژوهش‌هایی که درباره این گونه انجام شده اشاره می‌شود؛ محمود جلیلی (۱۳۸۹) به بررسی برخی نکات دستوری و ویژگی‌های آوایی، واژه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها و برخی باورهای مردم طبس پرداخته است. صمصامی و عطاری نیز (۱۳۹۰) تعدادی از واژه‌های گونه طبسی را گردآوری کرده‌اند.

## ۱-۲. روش اجرای پژوهش

روش انجام این پژوهش به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است. داده‌های زبانی به‌کاررفته، از طریق مصاحبه با ده گویشور ساکن در این شهرستان در محدوده سنی ۳۰ تا ۸۰ سال و آثار مکتوب در دست و شَم زبانی یکی از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی گردآوری شده و سپس تجزیه و تحلیل واج‌ها صورت گرفته است. در گزینش گویشوران، عواملی همچون سن، جنسیت، میزان تحصیلات و مهاجرت در نظر گرفته شده است. بنابراین، در جامعه آماری پژوهش، افراد باسواد و بی‌سواد و مهاجر و غیرمهاجر حاضر بودند. روش این تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی است.

## ۲. فرایندهای واجی در گونه طبسی

از مشاهده صورت‌های زبانی گوناگون می‌توان دریافت که واج‌ها در برخی از بافت‌های آوایی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در نتیجه به‌گونه‌ای تغییر می‌پذیرند؛ به بیانی دیگر، در برخی موارد مشخصه‌های واجی از صدایی به صدای مجاور پیشین و یا بعدی گسترش می‌یابد و موجب می‌شود که

یک واج برحسب بافت آوایی خاصی که در آن به کار می‌رود، با تأثیرپذیری از مشخصه‌های واجی مجاور با تغییر خاص به تلفظ درآید. همچنین برخی بافت‌های آوایی، موجب تغییر صوتی خاصی می‌شوند (ر.ک: مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۲۹). فرایندهای واجی بر نوعی تغییر ساختاری در مشخصه یا عناصر واجی زبان دلالت دارند (ر.ک: بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴: ۱۸۵). واحدهای آوایی عموماً پس از این‌که به صورت هجا با هم ترکیب شدند، در نتیجه هم‌نشینی با یکدیگر دستخوش تغییراتی می‌شوند، که از تأثیر متقابل آن‌ها بر هم ناشی می‌شود. به این نوع تغییرات، فرایندهای آوایی گویند (ر.ک: حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۵۹). در این پژوهش، ابتدا مجموعه داده‌ها و سپس تحلیل آن‌ها خواهد آمد. هر مجموعه، دارای یک یا چند فرایند واجی است که پس از ارائه، تحلیل و بررسی شده و قاعده مخصوص آن عنوان خواهد شد. مهم‌ترین فرایندهای واجی همگونی، حذف، اضافه، ابدال و قلب هستند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

## ۱-۲ حذف

یک واحد زنجیری وقتی از زنجیره گفتار حذف می‌شود که در شرایطی خاص، هم شامل همخوان و هم واکه شود (ر.ک: زمریان، ۱۳۷۹: ۴۲). حذف ممکن است با ابدال، اضافه یا قلب همراه باشد و نیز گاهی با کشش واکه مجاور همراه است (ر.ک: کلباسی، ۱۳۷۰: ۵۴). در گفتار پیوسته، گاهی یک واحد زنجیری از قبیل همخوان، واکه یا هجا ممکن است حذف شود (Crystal 1980: 119). لازم به ذکر است که این فرایند در بیشتر گویش‌های ایرانی رخ می‌دهد.

## ۱-۲-۱ حذف همخوان‌ها

همخوان [t] در پایان هجا و در مرز دو هجا به‌ویژه در صورتی که سه همخوان کنار یکدیگر قرار گیرند، حذف می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
dasbən	dastband	دستبند
daslāf	dastlāf	دستلاف
zeš	zešt	زشت
rās	rāst	راست
doros	dorost	درست

حذف همخوان پایانی [d]:

گونه طَبسی		فارسی معیار
doz	dozd	دزد
qan	qand	قند
bolan	boland	بلند
ban	band	بند
ābruman	ābrumand	آبرومند

در فعل ماضی سوم شخص مفرد که تنها بن ماضی است و شناسه در آن به کار نمی‌رود، چنانچه [d] پایانی قبل از واکه‌های [ā]، [i]، [u] یا همخوان [r] واقع شود از آخر ماده ماضی حذف می‌شود:

گونه طَبسی		فارسی معیار
māker	mikard	می‌کرد
māxxor	mixord	می‌خورد
bobbor	bord	برد
bima	āmad	آمد
beza	zad	زد

گاه همخوان [n] پس از واکه‌های [ā]، [i]، [u] و همخوان [y] در آخر واژه‌ها حذف می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
ko	kon	کن
mə	man	من
i-rāh	in- rāh	این راه
āsmu	āsmān	آسمان
ru	rān	ران

حذف همخوان پایانی [m]:

گونه طَبسی		فارسی معیار
čaš	češm	چشم
tox	toxm	تخم
šox	šoxm	شخم

بررسی فرایندهای واجی «حذف»، «ابدال»... (ص ۶۵-۸۴) ----- شیما جعفری دهقی و همکاران ۶۹

همخوان [k] در واژه‌های زیر حذف می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
ya	yek	یک

در گروه آوایی [šk] در پایان هجا و در مرز دو هجا به‌ویژه در صورتی که گروه سه همخوانی تشکیل شود حذف می‌گردد.

گونه طَبسی		فارسی معیار
xoš	xošk	خشک
xošbār	xoškbār	خشکبار
ašbār	aškbār	اشکبار
ašrizu	aškrizān	اشک‌ریزان

حذف همخوان [z]:

همخوان [z] گاه پس از واکه‌های [u]، [i] در پایان واژه‌ها حذف می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
emru	emruz	امروز
hanu	hanuz	هنوز
hame-či	heme-čiz	همه‌چیز

حذف همخوان [ʔ]:

در صورتی که واکه هجا یکی از واکه‌های کوتاه [e]، [o] باشد، با حذف [ʔ] این واکه‌ها کشیده می‌شوند؛ یعنی به صورت [ē]، [ō] ظاهر می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
mēda	meʔde	معه
mēmār	meʔmār	معمار
mōtād	moʔtād	معتاد
mōtayed	moʔtayed	معتقد
mōmen	moʔmen	مؤمن

۲-۱-۲. حذف واکه‌ها

حذف واکه پایانی [y]

گونه طَبسی		فارسی
mu	muy	موی
ju	juy	جوی
ru	ruy	روی
bešu	bešuy	بشوی
šu	šuy	شوهر

۳-۱-۲. حذف گروه‌های آوایی

[av] از ماده مضارع فعل āvardan (آوردن) و raftan (رفتن) حذف می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
me-yr-om	mi-āvar-am	می‌آورم
ma-r-om	mi-rav-am	می‌روم
be-na-r-a	na-rav-ad	نرود

در مثال‌های زیر نیز گروه آوایی حذف شده است:

گونه طَبسی		فارسی معیار
talx	estaxr	استخر
šabāš	šādbāš	شادباش

۲-۲. قلب

گاه دو همخوان در ترکیب، جای خود را بر اثر هم‌نشینی باهم عوض می‌کنند به طوری که همخوان نخستین، جایگاه دومین را می‌گیرد و همخوان دومین به جای نخستین می‌نشیند (ر.ک: زمردیان، ۱۳۷۹: ۴۲). بنابراین، گونه‌ای نسبتاً غیرمعمول از دگرگونی صوتی، جابه‌جا شدن محل دو صوت مجاور است (آرلانو، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

گونه طَبسی		فارسی معیار
pehre	pirhan	پیرهن
qolf	qofl	قفل
sald	satl	سطل

بررسی فرایندهای واجی «حذف»، «ابدال»... (ص ۶۵-۸۴)----- شیما جعفری دهقی و همکاران ۷۱

yalbir	γarbāl	غریبال
səwr	sarv	سرو

### ۲-۳. اضافه

گاه در شرایطی خاص، یک واحد زنجیری به زنجیرهٔ گفتار اضافه می‌شود. این فرایند را اضافه می‌خوانیم. فرایند اضافه، تابع قواعد نظام صوتی زبان است. به این تعبیر که هرگاه در ترکیب آواها باهم، نوعی هم‌نشینی میان واحدهای زبانی به وجود می‌آید که یا بر اساس طبیعت آوایی زبان تثبیل شده باشد و یا برخلاف نظام صوتی محسوب شود برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود (ر.ک: حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

گونهٔ طبسی	فارسی معیار
jelezqa	jeliqe جلیقه
šāxla	šāxe شاخه
kolombazi	gonbadi گنبدی
qālin	qāli قالی

در دورهٔ میانهٔ زبان‌های ایرانی، به‌ویژه در زبان پهلوی، خوشه‌های همخوان آغازی دیده می‌شود، در زبان فارسی نو این خوشه‌ها با اضافه‌شدن یک واکه میان دو همخوان، شکسته شده است. در گونهٔ طبسی مانند بسیاری از گونه‌ها و گویش‌ها میان دو همخوان واکه افزوده نمی‌شود بلکه در ابتدای خوشه همخوان یک واکه می‌آید.

گونهٔ طبسی	فارسی معیار
oštōr	šotor شتر
eštaw	šetāb شتاب
eškām	šekam شکم
ošpoš	šepes شپش

رایج‌ترین نوع این فرایند را می‌توان افزایش همخوان‌های میانجی ذکر کرد که به دلیل التقای واکه‌ها رخ می‌دهد (ر.ک: قلی‌فامیان و بصیرت، ۱۳۹۳: ۹۸).

### ۲-۳-۱. همخوان میانجی

هرگاه به جزئی که مختوم به واکه است جزئی که با واکه شروع می‌شود اضافه گردد، میان دو واکه یک همخوان میانجی آورده می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار
māle mā-n-a	از ماست
māle mā-y-a	اینجاست
ena-k-a/benji-y-a	شیرینی خانگی
šereni xane-g-i	کتب از توست
ketāb māle to-n-a	
ketāb māle to-y-a	

#### ۲-۴. ابدال

گاه در زنجیره گفتار، یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگری تبدیل می‌شود که به این فرایند ابدال می‌گوییم (ر.ک: زمردیان، ۱۳۷۹: ۴۳). بنابراین، گاهی در واژه، یک واج به واج دیگری مبدل می‌شود بی‌آنکه بتوانیم برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی یا دگرگونی توجیهی بیابیم (باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۰). ملک‌الشعراى بهار ابدال حرفی به حرف دیگر را از نوامیس تطور زبان می‌داند (ر.ک: بهار، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

#### ۲-۴-۱. ابدال همخوان‌ها

همخوان [d]

[d] در میان یا پایان برخی از واژه‌ها تبدیل به [t] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار
konjet	کنجد
sonjet	سنجد
katxodā	کدخدا
naxot	نخود

بعضی از کلمات که به همخوان [d] ختم می‌شوند هنگامی که جمع بسته می‌شوند [d] تبدیل به [t] می‌شود.

گونه طَبسی	گونه طَبسی	فارسی معیار
جمع واژه	مفرد واژه	
dutā	dud	دود
xitā	xid	خید
bitā	bid	بید



بررسی فرایندهای واجی «حذف»، «ابدال»... (ص ۶۵-۸۴) ----- شیما جعفری دهقی و همکاران ۷۳

kutā	kud	کود
ārtā	ārd	آرد

همخوان [q]

[q] فارسی در گروه‌های آوایی [qš]، [qt] به [x] تبدیل می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
vax	vaqt	وقت
naxša	naqše	نقشه

عکس آن نیز اتفاق می‌افتد؛ یعنی [x] در این گونه گاهی تبدیل به [q] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
qolfa	xorfe	خرفه
qofa	xafē	خفه

گاهی [x] در این گونه تبدیل به [ɣ] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
ostoyu	ostoxān	استخوان

گاهی [x] در این گونه تبدیل به [h] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
handaq	xandaq	خندق

گاهی [h] در این گونه تبدیل به [x] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
xastak	haste	هسته

گاه بعضی از واژه‌های مختوم به [ɣ] هنگام جمع‌بستن [ɣ] تبدیل به [x] می‌شود.

گونه طَبسی (جمع)	فارسی معیار	
rixā	ri:ɣ	شن نرم
kalāxā	kalāɣ	کلاغ
čerāxā	čerāɣ	چراغ
morxā	mory	مرغ



بررسی فرایندهای واجی «حذف»، «ابدال»... (ص ۶۵-۸۴) ----- شیما جعفری دهقی و همکاران ۷۵

برعکس آن نیز اتفاق می افتد که همخوان [m] در این گونه گاهی تبدیل به [n] می شود.

گونه طَبسی		فارسی
bādenju	bādemjān	بادمجان
monken	momken	ممکن

### همخوان [b]

[b] در این گونه گاهی تبدیل به [p] می شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
sohp	sobh	صبح
asp	asb	اسب
aspāp	asbāb	اسباب
sipā	sib-hā	سیبها

[b] در این گونه گاهی تبدیل به [f] می شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
zofu	zabān	زبان
zanjafil	zanjabil	زنجبیل

[b] در این گونه گاهی تبدیل به [v] می شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
vardoš	bardāšt	برداشت
vā	bāz	باز

[g] در این گونه گاهی تبدیل به [ɣ] می شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
layad	lagad	لگد
moyas	magas	مگس

[g] در پایان برخی واژه‌ها هنگام جمع بستن تبدیل به [k] می شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
balkā	barg-hā	برگها

rakā	rag-hā	رگ‌ها
kewgkā	kabk-hā	کبک‌ها
gorkā	gorg-hā	گرگ‌ها

[z] در پایان برخی واژه‌ها هنگام جمع بستن تبدیل به [s] می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
bosā	boz-hā	بزها
dossā	dozd-hā	دزدها
darsā	darz-hā	شکاف‌ها
jəwsā	jəwz-hā	گردوها

برعکس آن‌هم اتفاق می‌افتد یعنی همخوان [s] به [z] تبدیل می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
azɣar	asɣar	اصغر
ezhāl	eshāl	اسهال

[ɣ] در این گونه گاهی تبدیل به [g] می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
begellon	ɣaltānd	غلطاند
gelgeluk	ɣelɣelak	غلغلک

[h] فارسی در این گونه گاهی تبدیل به [x] می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
moxkem	mohkam	محکم

[v] فارسی در این گونه گاهی تبدیل به [f] می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
tasfiya	tasviye	تسویه

[af] در این گونه گاهی تبدیل به [w] می‌شود.

گونه طَبسی		فارسی معیار
əwsena	afsāne	افسانه
əwsār	afsār	افسار

بررسی فرایندهای واجی «حذف»، «ابدال»... (ص ۶۵-۸۴) ----- شیما جعفری دهقی و همکاران ۷۷

kəwš	kafš	کفش
derəwš	derafš	درفش

تبدیل [j] به [č]

واژه‌های مختوم به [j] هنگام جمع بستن تبدیل به [č] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
nārančā	nāranj-hā	نارنج‌ها
torančā	toranj-hā	ترنج‌ها
berenčā	berenj-hā	برنج‌ها
gančā	ganj-hā	گنج‌ها

[z] در این گونه گاهی تبدیل به [s] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
lā-massab	lā-mazhab	بی‌دین

دو واج [ān] خواه اصلی و جزو کلمه باشد، خواه پسوند، در بسیاری از کلمات وقتی در پایان واژه قرار گیرد، به واکه بلند [u] تبدیل می‌شود (جلیلی، ۱۳۸۹: ۳۰).

گونه طَبسی	فارسی معیار	
āvizu	āvizān	آویزان
reyhu	reyhān	ریحان
čerāyu	čerāyān	چراغان
zemestu	zemestān	زمستان
tevestu	tābestān	تابستان

## ۲-۴-۲. ابدال واکه‌ها

تبدیل واکه بلند [ā] به واکه کوتاه [a]

بسیاری از کلماتی که در زبان فارسی معیار در هجای آغازین خود با واکه بلند [ā] شروع می‌شوند در گونه طَبسی [ā] تبدیل به واکه کوتاه [a] می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار	
azoqa	āzuqe	آذوقه
avša	āvišan	آویشن

axer	āxar	آخر
assiyā	āsiyāb	آسیاب

با این حال، در برخی کلمات تلفظ واکه بلند هجای نخستین مانند زبان فارسی معیار است:  
 آش(āš)، آخ(āx)، آهای(āhāy)، آلو(ālu)، آباد(ābād)، آبرو(āberu)، آجیل(ājil)،  
 آسمان(āsmu)، آرزو(ārezu)، آزاد(āzād)، آشتی(āšti)، آواز(āvāz)، آهسته(āhesta)، آجر(ājor)،  
 آچار(āčār)، آستر(āstar)، آهو(āhu)، آیه(āya)، آخوند(āxon) و دیگر واژه‌ها.

تبدیل واکه بلند [ā] به واکه کوتاه [a] در میان برخی واژه‌ها:

گونه طَبسی	فارسی معیار
maya	māye مایه
saya	sāye سایه
xana	xāne خانه
daya	dāye دایه
xala	xāle خاله

واکه بلند [ā] چنانچه قبل از همخوان‌های [m] و [n] قرار گیرد، به واکه کوتاه [o] و واکه [u] تبدیل می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار
nomzad	nāmzad نامزد
romazu	ramazān رمضان
xošnum	xošnām خوش‌نام
xum	xām خام
dum	dām دام

تبدیل واکه کوتاه [a] به واکه کوتاه [o]

گونه طَبسی	فارسی معیار
dovā	davā دوا
sovār	savār سوار
kodu	kadu کدو
domāy	damāy دماغ
borār	barādar برادر

بررسی فرایندهای واجی «حذف»، «ابدال»... (ص ۶۵-۸۴) ----- شیما جعفری دهقی و همکاران ۷۹

تبدیل واکه کوتاه [a] به واکه کوتاه [e]

گونه طَبسی	فارسی معیار
tella	tale
teh	tah
češā	čašmhā

تبدیل واکه [i] به [e]

گونه طَبسی	فارسی معیار
rešxan	rišxand
resmu	rismān
zena	zine
zəneka	zanike

تبدیل واکه [u] به واکه کوتاه [o]

گونه طَبسی	فارسی معیار
xoša	xuša
xorāk	xurāk
doroɣ	doruɣ

در برخی کلمات دو واج [āb] و [ab] و [af] و [āy] در این گونه به واکه مرکب [w] تبدیل می‌شود.

گونه طَبسی	فارسی معیار
aftəw	āftāb
mahtəw	mahtāb
əw	āb
eštəw	šetāb
təw	tab

واج [āv] در بعضی واژه‌ها تبدیل به [w] می‌شود:

گونه طَبسی	فارسی معیار
gəw	gāv
təwu	tāvān

nəwdu	nāvdān	ناودان
		در گونه طبری ابدال گروه‌های آوایی زیر رخ می‌دهد.
		ابدال گروه آوایی [qs] به [xs]
taxsir	taqsir	تقصیر
		ابدال گروه آوایی [st] به [št]
šuštə	šostan	شستن
		ابدال گروه آوایی [čk] به [šk] در مرز دو هجا
hiš ke	hič kas	هیچ کس
hič kār	hič kār	هیچ کار
hiš kodum	hič kodām	هیچ کدام
		ابدال گروه آوایی [st] به [ss] در مرز دو هجا
šekəssa	šekaste	شکسته
ossā	ostād	استاد
pessa	peste	پسته
		ابدال گروه آوایی [zd] به [zz]
dozzaki	dozdaki	دزدکی
sizzeh	sizdah	سبزه
yāzzeh	yāzdah	یازده
		ابدال گروه آوایی [fz] به [fs]
hefs	hefz	حفظ
lafs	lafz	لفظ
		ابدال گروه آوایی [zf] به [sf]
hasf	hazf	حذف
		ابدال گروه آوایی [ān] و [ām] به [u (n)] و [um]
گونه طبری		فارسی
negehbu(n)	negehbān	نگهبان
teku(n)	tekān	تکان



tammu(n)	tombān	تمبان
āsu(n)	āsān	آسان
āsmu(n)	āsmān	آسمان

## ۲-۵. همگونی واجی

رایج‌ترین فرایند واجی زبان همگونی است که در آن، یک واحد واجی در یک یا چند مشخصهٔ واجی، شبیه به واحد واجی مجاور خود می‌شود و در نتیجه دو واحد واجی به هم شبیه می‌شوند ( Odden 2005: 228). به عبارت دیگر، همگونی به معنی تأثیر آواهای زبان بر هم و تغییر یکی از ویژگی‌های ممیز واج است به گونه‌ای که واج بر اثر هم‌نشینی با واج دیگر ویژگی‌های واج مجاور را می‌پذیرد. گاه همخوانی بی‌واک بر همخوان واکدار مجاور تأثیر گذاشته و موجب بی‌واک شدن آن می‌شود. این فرایند در تمامی مواضع واجی، اعم از هجا و تکواژ و مرز بین آن‌ها اتفاق می‌افتد و باعث شباهت بیشتر واحدهای واجی زبان به یکدیگر می‌شود، چه این واحدها در مجاورت یکدیگر و چه در فاصله از یکدیگر باشند (ر.ک: بی‌جن‌خان ۱۳۸۴: ۱۹۴).

گونهٔ طبسی	فارسی معیار	
bat-tar	bad-tar	بدر
sat-tā	sad-tā	صد تا
novat-tā	navad-tā	نود تا

نمونهٔ دیگری از همگونی همخوان با همخوان، لبی شدن همخوان در پایان هجا و پیش از همخوان‌های لبی یا لبی - دندانی است که در آن واج /n/ به صورت [m] ظاهر می‌شود.

گونهٔ طبسی	فارسی معیار	
zambil	zanbil	زنیل
domba	donbe	دنبه
šambe	šanbe	شنبه
dombāl	donbāl	دنبال

- گاهی نیز واج /j/ به صورت [š] و واج /h/ به شکل [x] ظاهر می‌شود.

گونهٔ طبسی	فارسی معیار	
moštabā	mojtabā	مجتبی
moxkem	mohkam	محکم

### ۲-۵-۱. همگونی واکه با واکه

یکی از مشخصه‌های گونه طَبسی همگونی واکه با واکه است. در این نوع همگونی واکه یک هجا با واکه هجای مجاور همگون می‌شود.

فارسی معیار	گونه طَبسی
گذاشت	gozāšt
کدو	kadu
گلو	galu
پیشانی	pišāni
پُر (فعل امر از مصدر بُردن)	bebor
	boborru

### ۲-۵-۲. همگونی دوسویه یا آمیزه‌ای

در این نوع همگونی دو صدای مجاور به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

فارسی معیار	گونه طَبسی
مسجد	masjed
	mahčet/maččet

### ۳. نتیجه‌گیری

در گونه طَبسی، فرایندهای واجی گوناگونی رخ داده است. نتایج بررسی‌های بالا نشان داد در گونه طَبسی حذف همخوان‌های پایانی [d]، [m]، [n]، [t]، [k]، [z] در واژه‌هایی مانند (dastband، emruz، xošk، zešt، āsmān، šoxm)، حذف واکه پایانی [y] در ترکیب‌هایی نظیر bu-ye-xoš، آوردن یک واکه در ابتدای خوشه همخوان، مانند oštōr، ابدال گروه آوایی [ān] و [ām] به [u (n)] و [um] در واژه‌هایی نظیر dām، āsmān، ابدال دو واج [āb] و [ab] و [af] و [āy] و [āv] به واکه مرکب [w] در واژه‌هایی نظیر gāv، afsār، āftāb، از جمله فرایندهای واجی در این گونه است. افزون‌بر این، یکی از مشخصه‌های گونه طَبسی همگونی واکه با واکه است. در این نوع همگونی واکه یک هجا با واکه هجای مجاور همگون می‌شود. نتیجه‌ای که از بررسی فرایندهای واجی این گونه به‌دست می‌آید نشان می‌دهد که به‌طور کلی فرایندهای حذف، ابدال، قلب و اضافه از فرایندهای واجی در این گونه به شمار می‌آیند.

## منابع

- ۱- آراتو، آنتونی. (۱۳۸۴). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- ارنسکی، یوسیف میخائیلوویچ. (۱۳۷۸). زبان‌های ایرانی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران: سخن
- ۳- امینی، محمود. (۱۳۸۵). جغرافیای تاریخی شهرستان طبس، یزد: نیکوروش
- ۴- باقری، محمد. (۱۳۹۶). طبس پژوهی، بیست و هفت جستار درباره تاریخ و تمدن طبس، مشهد: آبی
- ۵- باقری، مه‌ری. (۱۳۷۸). مقدمات زبان‌شناسی، تهران: نشر قطره
- ۶- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوار
- ۷- بی‌جن‌خان، محمود. (۱۳۸۴). واج‌شناسی: نظریه بهینگی، تهران: انتشارات سمت
- ۸- جلیلی، محمود. (۱۳۸۹). بررسی گویش طبس گلشن، مشهد: دستور
- ۹- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۹۳). آواشناسی (فونتیک)، چاپ پانزدهم، تهران: آگه
- ۱۰- زمردیان، رضا. (۱۳۷۹). گردآوری و توصیف گویش‌ها، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۱- قلی‌فامیان، علیرضا و وحید بصیرت. (۱۳۹۳). «تحلیل فرایندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی»، فصلنامه زبان‌پژوهی، سال ۶، شماره ۴، پیاپی ۱۳، صص ۹۱-۱۰۹.
- ۱۲- صمصامی، شیرین و محمدرضا عطاری. (۱۳۹۰). فرهنگ واژگانی گویش طبس، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۳- کلباسی، ایران. (۱۳۷۰). فارسی اصفهانی، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۴- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۵). ساخت آوایی زبان، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۱۵- نجفیان، آرزو. (۱۳۹۱). زبان‌ها و گویش‌های خراسان، تهران: نشر کتاب مرجع.

## منابع لاتین

1-Crystal, D. (1980), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Cambridge: Cambridge Press

2-Odden, D. (2005), *Introducing Phonology*, Cambridge: Cambridge Press